

دوفصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی

سال یازدهم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحه ۶۸-۵۱

بررسی روایات مورد استنادی مشهور فقیهان در عدم تساوی زن و مرد در قصاص و دیات

علیرضا ابراهیمی*

علیرضا رستمی**

◀ چکیده

برخی از فقهای معاصر برخلاف نظر مشهور فقیهان مبنی بر عدم تساوی زن و مرد در قصاص و دیات قائل به تساوی میان آنان شده‌اند. ایشان ضمن نقد مستندات روایی مشهور، به روایات دیگری به عنوان روایات معارض با روایات مستند مشهور، استناد جسته‌اند. مقاله حاضر، در صدد بیان این تعارض و ارائه راه حل برای رفع احتمالی آن است. به نظر می‌رسد با تحلیل انجام شده مستندات روایی مشهور، دارای اعتبار و حجیت لازم است و قول خلاف مشهور قابل دفاع نیست. این قول (خلاف مشهور) که سابقه چندانی ندارد به دلیل اینکه مستند روایی قابل توجهی ندارد، سعی کرده است بین روایات تعارض برقرار کند و آن‌ها را از اساس مخدوش نماید در حالی که روایات مورد استناد قول مشهور از نظر سند و دلالت متقن و غیر قابل تشکیک می‌باشد.

◀ **کلیدواژه‌ها:** بررسی سندی، تعارض اسناد، عدم تساوی قصاص، زن و مرد، مشهور فقها.

* استادیار دانشگاه قم / ali110qom@yahoo.com

** استادیار دانشگاه قم / ar.rostami@qom.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۶

۱. مقدمه و طرح مسئله

مشهور فقهای امامیه و غیر امامیه در طول صدها سال در طول تاریخ اسلام به روایات باب عدم تساوی قصاص میان زن و مرد عمل کرده و آن روایات را مورد استناد قرار داده‌اند. اما در عصر حاضر، برخی از فقهای معاصر قائل به تساوی قصاص میان زن و مرد شده‌اند. ایشان هم روایات باب عدم تساوی را مورد نقد قرار داده و هم به روایات دیگری برای اثبات نظریه خویش مبنی بر تساوی استناد کرده‌اند. اکنون در این مقاله باید ابتدا بررسی شود که آیا روایات مورد استنادی مشهور، دارای اعتبار سندی و دلالتی بوده است یا خیر؟ و در صورت اثبات اعتبار و حجیت چگونه این روایات و روایات مستند اقلیت می‌توان جمع کرد؟ آیا روایات مورد استنادی خلاف مشهور از نگاه مشهور پنهان مانده است؟! و در ادامه تحقیق حاضر باید به این موضوع نیز پرداخته شود که آیا می‌توان به‌عنوان کبرای کلی به دلایلی مانند برابری، تساوی، عدالت و دلایل عقلی استناد کرد؟ و اساساً میزان حجیت استناد به ادله اولیه تا کجاست؟ روایات تا چه میزان تاب تحمل تعارض با دلیل عقل، عدالت و تساوی و برابری را دارند؟

تساوی یا عدم تساوی قصاص میان زن و مرد یکی از مسائلی است که به‌صورت طبیعی به‌عنوان سؤالی میان جوانان و تحصیل‌کردگان مطرح است. آنان می‌پرسند مگر اسلام میان زن و مرد تفاوت قائل شده است که میان آنان برابری در قصاص را قبول نکرده است؟ قبل از بررسی و تحلیل روایی و حدیثی موضوع لازم است چند مطلب به‌عنوان مقدمه بیان شود:

الف. باید میان دیدگاه و نظریه اسلام و مستندات روایی و سندی قائل به تفکیک شد؛ چه بسا در اجتهاد فقهی، حکمی مستند به روایات صادر شود اما پس از چند سال با بررسی و احیاناً پیدا کردن دلایل روایی جدید روشن شود که مستند آن فقیه از اعتبار لازم برخوردار نبوده است. در این مثال حکم شرعی الهی که عوض نشده است، فهم فقیه تغییر کرده است و او به هر حال مأجور است - البته اگر مطابق صواب فتوا داده بود و دو ثواب می‌برد - و مکلفین نیز بنا بر ادله فقهی، عقلی، اصولی، باید طبق فتوای مجتهد عمل کنند و آنان نیز در هر زمان معذور و مأجور هستند، همه تلاش فقیهان بر به دست آوردن دیدگاه اسلام استوار است.

ب. وقتی سؤال از نظریه اسلام در یک زمینه‌ای می‌شود باید با اجتهادی موسع همه ابواب فقهی، تفسیری، کلامی، عرفانی، اصولی و... را در ارائه نظریات دین‌محور در نظر گرفت. این موضوع امری مسلم است اما این مطلب منافاتی با بررسی روایی و اجتهادی مضیق و متکی بر متن روایات و آثار فقهای مشهور در طول قرون و اعصار پس از اسلام ندارد؛ زیرا به دست آوردن رضایت شارع در پرتو عمل به قاعده فقهی مستند به حکم فقهی حاصل می‌شود و معذوریت و برائت ذمه مکلفین منوط به تلاش حداکثری در به دست آوردن و تحصیل واقع (ولو به صورت ادعایی) ایجاد می‌شود.

ج. روایات مشهور، هم از نظر تعداد و کمیت و هم از نظر نوع راویان و هم کثرت استناد به آن‌ها در حدی است که به راحتی قابل چشم‌پوشی نیست و نمی‌توان به استناد ادله کلی و کبریات آن‌ها را کنار گذاشت.

د. لازم است تمامی مستندات روایی مشهور و نیز غیر مشهور مورد بررسی سندی و دلالتی قرار گیرند که در این مقاله به صورت اجمال و اختصار صورت می‌پذیرد.

۲. بررسی روایات مورد استناد مشهور فقیهان مبنی بر عدم تساوی زن و

مرد در قصاص

۱-۲. محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، و عن علی بن ابراهیم، عن ابیه جمیعاً، عن ابن محبوب، عن عبدالله بن سنان قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول: فی رجل قتل امرأته متعمداً، قال: ان شاء اهلها ان یقتلوه قتلوه و یؤدوا الی اهلہ نصف الدیة، و ان شاءوا أخذوا نصف الدیة خمسة آلاف درهم، و قال: فی امرأة قتلت زوجها متعمدة قال؛ ان شاء اهلہ ان یقتلوا قتلوها و لیس یجنی أحد أكثر من جنایته علی نفسه. (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۵۹؛ کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۹۹؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۸۱ و ج ۴، ص ۲۶۵؛ صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۸۹)

بررسی سندی: کلینی که به تعبیر نجاشی اوثق الناس است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۶۶) عظمت و اعتبار او نیاز به تحقیق ندارد. محمد بن یحیی عطار از طبقه هشتم که کلینی از او روایات زیادی دارد ثقه است به توثیق نجاشی (نجاشی ۱۳۶۵، ص ۲۵۰) علامه نیز او را توثیق کرده (علامه، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷) احمد بن محمد بن خالد برقی را نیز نجاشی (نجاشی ۱۳۶۵، ص ۵۵) و شیخ طوسی در فهرست (طوسی، ۱۳۸۰، ج ۱۰،

ص ۵۶) و علامه حلی (۱۳۸۱، ص ۱۴) توثیق کرده‌اند. مرحوم کلینی یک سند دیگر با او عطف به این دو نفر نسبت داده است که علی بن ابراهیم و پدرش هستند. علی بن ابراهیم از اجلاء است و نجاشی او را ثقه و ثبت و معتمد می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۳) و علامه نیز او را توثیق کرده است. (علامه، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰) ابراهیم بن هاشم نیز در کتاب تفسیر قمی توسط پسرش علی بن ابراهیم به‌طور کلی عام توثیق شده است (چون در مقدمه کتاب تفسیر قمی تصریح کرده به اینکه رواه واقع در اسناد کتابش ثقه هستند و ابراهیم بن هاشم در بسیاری موارد وجود دارد؛ به‌علاوه اینکه کثرت روایت کلینی از او و پسرش دال بر اعتماد کلینی بر اوست) از سید بن طاوس نیز قول به توثیق ابراهیم نقل شده است.

کلینی با این دو سند از حسن بن محبوب نقل می‌کند که حسن بن محبوب از اصحاب اجماع است و وثاقت او و اساتیدش مورد اجماع عصابه شیعه است که کشی نقل می‌کند (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۴۶۶) و شیخ در رجال (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۳۴۷) و فهرست (همو، ۱۳۸۰، ق، ص ۷۱) نیز تصریح به وثاقت او دارند. عبدالله بن سنان نیز توسط نجاشی (۱۳۶۵، ص ۱۴۸) و شیخ در فهرست (طوسی، ۱۳۸۰، ق، ص ۱۲۷) و... توثیق شده که سند روایت صحیح است و بلکه از صحاح اعلائی می‌باشد چه اینکه کلینی با چهار واسطه از ثقات جلیل‌القدر روایت از معصوم نقل می‌کند.

بررسی دلالی: ترجمه و تحلیل روایت: عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و می‌گوید شنیدم که حضرت درباره مردی که زن خود را به قتل رسانده بود فرمود: اگر اهل زن (اولیاء دم زن) می‌خواهند که مرد قاتل را به قتل برسانند و نصف دیه را به اهل (اولیا دم زن) پرداخت کنند. و اگر می‌خواهند نیز نصف دیه را که پنج هزار درهم است بگیرند و فرمود: در مورد زنی که مرد خویش را به قتل رسانده بود فرمود اگر اهل او (اولیاء دم مرد) می‌خواهند زن را به قتل برسانند مجازات شخص مجرم (زن) بیش از جنایت به نفس وی نخواهد بود؛ یعنی با اجرای قصاص زن پرونده مختومه می‌گردد. نتیجه روایت همین بیان است اما ترجمه: هیچ‌کس نمی‌تواند بیش از جنایت بر خودش مرتکب جنایتی شود (حداکثر قصاص قاتل است نه بیشتر) همان

طور که روشن است این روایت صراحت دارد که زن در برابر مرد قصاص می‌شود اما مرد در برابر زن در صورتی قصاص می‌شود که نصف دیه مرد پرداخت گردد و صراحت دلالت روایت قابل انکار نیست.

۲-۲. و عن علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس عن عبدالله ابن مسکان، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: اذا قتلت المرأة رجلا قتلت به، و اذا قتل الرجل المرأة فان ارادوا القود أدوا فضل دية الرجل على دية المرأة و أدوه بها . إذا لم يفعلوا قبلوا اللدیه ديه المرأة كاملة، و دية المرأة نصف دية الرجل. (حرّ عاملی، ۱۳۴۷، ج ۱۹، ص ۵۹؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۹۸؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۳۴۸ و ج ۴، ص ۲۶۵)

بررسی سندی: علی بن ابراهیم (وثاقتش گذشت) محمد بن عیسی (بن سعد بن مالک) نیز توسط نجاشی توثیق شده (نجاشی ۱۳۶۵، ص ۲۳۹) علامه نیز در (علامه، ۱۳۸۱، ص ۱۵۴) او را شیخ روات اهل قم و وجیه (و شخصیتی بارز و شناخته شده) از اشعری‌های قم دانسته است اگر این محمد بن عیسی، محمد بن عیسی بن عبید هم باشد نجاشی او را (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۵) توثیق کرده است. یونس بن عبدالرحمن که به نقل کشی (کشی، ۱۳۴۸، ص ۴۰۹) بهترین از قمی‌ها دانسته و وکیل امام رضا علیه السلام بوده و از خواص حضرت به شمار می‌رفته است. علامه نیز نقل می‌کند (علامه، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴) که امام رضا علیه السلام در فتوا و علم به او اشاره و ارجاع می‌کرده است. نجاشی هم قبل از علامه (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۱۱) همین را گفته است. شیخ هم او را در رجال (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۴) توثیق کرده است.

عبدالله بن مسکان نیز از اصحاب اجماع و جزء هجده نفری است که کشی اجماع بر توثیق خودش و اساتیدش را نقل کرده است و نجاشی او را توثیق کرده. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۸) ابن شهر آشوب (۱۳۷۶، ص ۶۵) و علامه حلی (۱۳۸۱، ص ۱۰۶) او را ثقه داشته‌اند.

سند روایت صحیح است و جای دغدغه ندارد.

بررسی دلالی: ترجمه و تحلیل روایت: در این روایت عبدالله بن مسکان از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: وقتی زنی مردی را به قتل برساند به خاطرش

به قتل می‌رسد، وقتی مردی زنی را بکشد و بخواهند مرد را قصاص کنند باید فضل دیه مرد بر دیه زن پرداخت شود و سپس قصاص صورت پذیرد. و اگر قصاص نکردند، دیه زن کامل را بگیرند و دیه زن نصف دیه مرد است. روشن است که حضرت در این روایت هم موضوع را تحلیل و مستند بیان می‌کنند و هم جمله «و دیه المرأة نصف دیه الرجل» در این معنی صراحت دارد و جای هیچ تردیدی وجود ندارد.

۲-۳. و عنه (علی بن ابراهیم)، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن حمّاد، عن الحلّبی، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: فی الرجل یقتل المرأة متعمدا فأراد اهل المرأة ان یقتلوه قال: ذاک لهم اذا ادّوا الی اهلہ نصف الدیة، و ان قبلوا الدیة فلهم نصف دیه الرجل، و ان قتلت المرأة الرجل قتلت به لیس لهم الا نفسا الحدیث. (حرّ عاملی، ۱۳۴۷، ج ۱۹، ص ۵۹؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۹۸؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۸۰؛ همو، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۶۰)

بررسی سندی: علی بن ابراهیم و پدرش (بررسی شدند) محمد بن ابن عمیر از اصحاب اجماع و اجلاء شیعه است. شیخ در رجال (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۳۵۸) او را ثقه دانسته و در فهرست (طوسی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۱۶۸) گفته: کان من اوثق الناس. نجاشی در رجال (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۹) گفته اصحاب و علماء شیعه به روایات مرسله او اعتماد می‌کنند اما حمّاد: حماد بن عثمان الناب ثقه است بنا بر فرمایش شیخ در فهرست (طوسی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۱۵) و علامه حلی (۱۳۸۱، ص ۵۶) و ابن شهر آشوب (۱۳۶۷، ص ۳۷) و اگر حماد بن عیسی هم باشد ثقه است و بنا به فرموده: شیخ در رجال (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۶) و فهرست (همان، ص ۸۶) و نجاشی (۱۳۶۵، ص ۱۰۳) و هر دوی این‌ها از اصحاب اجماع کشی هستند. اما حلّبی (عبیدالله بن علی بن شعبه حلّبی) به فرموده نجاشی (همان، ص ۱۵۹) آل ابو شعبه همگی ثقه هستند و عبیدالله بزرگشان و شخص بارز آنان است اگر احمد بن علی بن شعبه حلّبی هم باشد، باز توثیق شده که در کل روایت صحیح می‌باشد.

ترجمه و تحلیل روایت: در این روایت حلّبی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت درباره مردی که عمداً زنی را می‌کشد سپس اهل مرأه (اولیاء وی) می‌خواهند مرد را به قتل برسانند، فرمودند: این (قصاص) حق آن‌هاست وقتی که به اولیاء (اهل

رجل) نصف دیه را پرداخت کنند و اگر دیه را قبول کردند، برایشان است نصف دیه مرد، و اگر زنی مردی را کشت، بدین خاطر زن کشته می‌شود و بر آن‌ها چیزی نیست (نمی‌توانند چیزی از اولیاء زن بگیرند) مگر آنکه زن را می‌توانند قصاص کنند. روشن است که این روایت نیز صراحت دارد در مسئله مورد بررسی و با اندک تأملی دلالت حدیث روشن می‌شود؛ زیرا تعابیر «اذا ادوا الی اهلہ نصف الدیہ» و «فلهم نصف دیة الرجل» و «لیس لهم الا نفسا» دلالت دارند که زن و مرد در قصاص و دیات مساوی نیستند.

۲-۴. و عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن علی بن الحکم، عن علی ابن ابی حمزة، عن ابی بصیر قال: سألت ابا عبد الله علیه السلام عن الجراحات. الی ان قال: و قال: ان قتل رجل امرأته عمدا فأراد اهل المرأة ان یقتلوا الرجل ردوا الی اهل الرجل نصف الدیة و قتلوه قال: و سألته عن امرأة قتلت رجلا، قال: تقتل و لا یغرم أهلها شیئا. (حرّ عاملی، ۱۳۴۷، ج ۱۹، ص ۶۰؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۹۹؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۸۱؛ همو، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۲۶۷)

بررسی سندی: محمد بن یحیی العطار از اعظم شیعه است. نجاشی (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۴) و علامه (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷) او را ثقة دانسته‌اند. احمد بن محمد بن خالد را علامه حلی (۱۳۸۱، ص ۱۴) و نجاشی (۱۳۶۵، ص ۵۵) و شیخ طوسی در فهرست (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۵۶) ثقة دانسته‌اند. علی بن حکم کوفی به تصریح شیخ در فهرست (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳) و علامه (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۹۳) از ثقات است ابن شهر آشوب در مناقب (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ص ۵۵) نیز او را توثیق کرده است. علی بن ابی حمزه علاوه بر اینکه در اساتید صحیحه صنوان و بزنی و ابن ابی عمیر از او نقل حدیث کرده‌اند. شیخ در عده (طوسی، ۱۳۸۹، ص ۵۶) می‌فرماید: طایفه امامیه به اخبار امثال او و سماعة بن مهران عمل کرده‌اند. اما ابوبصیر: ابوبصیری که از امام باقر یا امام صادق یا امام کاظم علیهم السلام نقل کند منصرف است به لیث بن بختری یا یحیی بن قاسم اسدی که هر دو از ثقات هستند. یحیی بن قاسم در رجال نجاشی (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۰۸) و خلاصة الاقوال علامه حلی (۱۳۸۱، ص ۲۶۴) توثیق شده و کشی هم او را از اصحاب اجماع دانسته (بنا بر یک قول) (کشی، ۱۳۴۸، ص ۲۰۶) لیث بن بختری

مرادی هم به نقل کشی (۱۳۸۱، ص ۲۰۶) از اصحاب اجماع است و علامه هم (ص ۱۳۷) به او اعتماد کرده است.

بررسی اجمالی: در این روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام درباره جراحات سؤال کرد تا اینکه حضرت فرمود: اگر مردی زن خود را عمداً بکشد و اهل زن اراده کنند (اولیاء وی) که مرد را به قتل برسانند ردّوا الی اهل الرجل نصف الدیة و قتلوه، باید نصف دیة مرد را به خانواده مرد پرداخت کنند و آنگاه وی را به قتل برسانند. ابی بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد زنی که مردش را به قتل رسانده است سؤال کردم، فرمود: آن زن کشته می شود و اهل (اولیاء وی) چیزی را به عنوان غرامت نمی پردازند. در این روایت نیز تعابیر «ردّوا الی اهل الرجل نصف الدیة و قتلوه» و نیز «تقتل و لا یغرم اهلها شیئاً» صراحت دارند که میان زن و مرد در قصاص و دیات برابری وجود ندارد و اهل زن باید نصف دیة مرد را بدهند تا بتوانند مرد قاتل را قصاص کنند.

۵-۲. و عنه، عن احمد، عن الحسن بن محبوب، عن ابی ولاد، عن ابی مریم، عن ابی جعفر علیهما قال: أتى رسول الله صلی الله علیه و آله برجل قد ضرب امرأة حاملاً بعمود الفسطاط، فخیّر رسول الله صلی الله علیه و آله أولیاءها أن يأخذوا الدیة خمسة آلاف درهم و غرة و صیف او و صیفة للذی فی بطنها، أو يدفعوا الی أولیاء القاتل خمسة آلاف و یقتلوه. (عاملی، ۱۳۴۷، ج ۱۹، ص ۶۰؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۰؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۸۱)

بررسی سندی روایت: محمد بن یحیی و احمد بن محمد بررسی شدند اما حسن بن محبوب سرآد از اصحاب اجماع کشی است (کشی، ۱۳۴۸ ص ۴۶۶) و شیخ در رجال (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۷) و علامه در خلاصة الاقوال (حلی، ۱۳۸۱، ص ۳۷) السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات) ابن ادريس حلی (حلی، ۱۴۱۰ ق، ص ۴۸۰) او را توثیق کرده اند. ابو مریم همان عبدالغفار بن قاسم است (خویی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۲، ص ۴۹) که نجاشی او و برادرش (عبدالؤمن بن قاسم) را توثیق کرده (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۵) و علامه نیز او را ثقة می داند. (حلی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱)

تحلیل و بررسی دلالی روایت: در این روایت ابی مریم از ابی جعفر علیه السلام نقل می کند که فرمود حضرت رسول اکرم (ص) روبه رو شد با مردی که زن حامله ای را با چوب فسطاط (خیمه در اردوگاه نظامی؛ نک: ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ذیل واژه) زده بود،

پیامبر(ص) اولیاء زن را میان اخذ دیه به میزان پنج هزار درهم و دیه جنین، قیمت غلام یا کنیز(همان، ذیل واژگان) به خاطر حملی که در شکم داشت، و یا اینکه به اولیاء قاتل(مرد) پنج هزار درهم پرداخت کند و او را قصاص نمایند، مخیر گذاشتند. روشن است که در صورت دوم(انتخاب قصاص مرد، حضرت ﷺ ایشان را به پرداخت نصف دیه (پنج هزار درهم) ملزم کرده‌اند و این دلالت دارد که اولیاء زن در صورتی می‌توانند قصاص کنند که نصف دیه مرد قاتل را پرداخت نمایند، آشکارا بر عدم تساوی دیه زن و مرد دلالت دارد.

۲-۶. و عن أبي علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان بن يحيى. عن ابن مسكان، عن أبي بصير يعني المرادي عن أحدهما عليهما السلام قال: ان قتل رجل امرأة و أراد اهل المرأة ان يقتلوه أذوا نصف الدية الى اهل الرجل. ابو علي اشعري همان محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد است که نجاشی(نجاشی ۱۳۶۵، ص ۲۳۹) و علامه (نجاشی ۱۳۶۵، ص ۱۵۴) او را شیخ قمی‌ها و شخصیتی از اشعری‌ها دانسته‌اند. شهید ثانی در مسالک باب اطعمه او را توثیق کرده. این ابوعلی ممکن است احمد بن ادريس بن احمد باشد که نجاشی(۱۳۶۵، ص ۶۲)، علامه(نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۷) و شیخ در فهرست(نجاشی ۱۳۶۵، ص ۵۶) او را ثقه دانسته‌اند.

بررسی سنندی: ابوبصیر یعنی المرادی عن احد هما ﷺ به امام باقر یا امام صادق ﷺ بازمی‌گردد.

محمد بن عبدالجبار را شیخ در رجال(طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۳) و علامه حلی (۱۳۸۱، ص ۱۴۲) توثیق کرده‌اند. صنوان بن عیسی هم از اصحاب اجماع است که خودش و مشایخش موثق هستند. شیخ در فهرست او را اوثق اهل زمان می‌داند (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۹) و نجاشی(۱۳۶۵، ص ۱۳۹) می‌گوید ثقه ثقه عبدالله بن مسکان هم از اصحاب اجماع است. نجاشی(۱۳۶۵، ص ۱۴۸)، ابن شهر آشوب(۱۳۷۶، ص ۶۵) و علامه حلی(۱۳۸۱، ص ۱۱۱) او را توثیق کرده‌اند. ابوبصیر مرادی هم که سابقاً گفته شده، از اصحاب اجماع و ثقه است.

بررسی دلالی: در این روایت، ابی‌بصیر از احد هما ﷺ (امام صادق یا امام باقر ﷺ) نقل می‌کند که فرمود: اگر مردی زنی را کشت و اهل(اولیا) زن خواستند او

را به قتل برسانند باید نصف دیه را به اهل مرد پرداخت نمایند. در این روایت نیز عبارت «أدوا نصف الدية الى أهل الرجل» باز تکرار شده و صراحت دارد که اولیاء زن با پرداخت نصف دیه می‌توانند مرد را قصاص کنند و جای هیچ شکی باقی نمی‌ماند.

۷-۲. و بالاسناد عن صفوان، عن اسحاق بن عمارة، عن ابی بصیر، عن احد هما عليهما السلام قال: قلت له: رجل قتل امرأة فقال ان اراد اهل المرأة ان يقتلوا ادوا نصف ديته و قتلوه و آلا قبلوا الدية. (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۶۰؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۰۰؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۸۲؛ همو، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۲۶۵؛ صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۸۹)

بررسی سنّدی: سند سابق: ابوعلی اشعری و محمد بن عبدالجبار بود که از صفوان بن یحیی نقل می‌کنند که بحث از آنان گذشت اسحاق بن عمار بن موسی سبابی را شیخ در فهرست (ص ۳۹) توثیق کرده است. بحث از ابوبصیر هم سابقاً انجام شد.

ترجمه و تحلیل روایت: ابی نصیر عن الکاظم او الصادق عليهما السلام نقل می‌کند که به ایشان گفتیم: مردی زنی را کشت حضرت فرمود اگر اولیاء زن (اهل وی) می‌خواهند وی را بکشند نصف دیه را پرداخت کنند و او را بکشند و الا دیه زن را قبول کنند.

این روایت نیز صراحت دارد در اینکه اگر مردی زنی را کشت به شرطی قصاص می‌شود که نصف دیه مرد پرداخت شود و عبارت «ادوا نصف ديته و قتلوه» کاملاً صراحت در مدعی دارد.

۸-۲ و باسناده عن الحسين بن سعيد عن احمد بن عبدالله عن أبان عن أبي مریم قال: سألت ابا جعفر عليه السلام عن جراحة المرأة قال: فقال: على النصف من جراحة الرجل فمادونها، قلت فامرأة قتلت رجلا، قال: يقتلونها قلت: فرجل قتل امرأة، فقال ان شاؤوا قتلوا واعطوا نصف الدية. (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۶۰؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۰۰؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۸۲؛ همو، ۱۳۰۵ق، ج ۴، ص ۲۶۶؛ فقیه، ج ۴، ص ۸۹)

بررسی سنّدی: حسین بن سعید اهوازی: شیخ در فهرست (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۸۳) و علامه در خلاصه (حلی، ۱۳۸۱، ص ۴۹) او را ثقة معرفی کرده‌اند. احمد بن عبدالله بن عیسی به تصریح نجاشی (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۷۴) و علامه حلی (۱۳۸۱، ص ۲۰) ثقة

است و ابان بن عثمان هم از اصحاب اجماع کشی است (کشی، ۱۳۴۸، ص ۳۲۲) و علامه نیز آن را اذعان نموده. (حلی، ۱۳۸۱، ص ۲۱)

ترجمه و تحلیل روایت: ابو مریم انصاری می گوید از امام جعفر صادق علیه السلام درباره جراحات زن سؤال کردم حضرت فرمود: به میزان نصف جراحات مرد و کمتر محاسبه می شود، گفتم پس اگر زنی مردی را کشت؟ فرمود: زن را می کشند گفتم مردی زنی را بکشد؟ فرمود: اگر خواستند مرد را می کشند و نصف دیه را پرداخت می کنند.

روشن است که در این روایت نیز عبارت «ان شاؤوا قتلوا و أعطوا نصف الدیة» صراحت در مدعی دارد و دلالت دارد که قصاص مرد در صورت قتل زن منوط به پرداخت نصف دیه به اولیاء زن است.

۹-۲. و عنه، عن القاسم بن عروة، عن أبي العباس و غيره، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: ان قتل رجل امرأة خيراً أولياء المرأة إن شاؤوا ان يقتلوا الرجل و يغرموا نصف الدیة لورثته، و ان شاؤوا أن يأخذوا نصف الدیة. (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۶۰ و ۶۱)

بررسی سندی: حسین بن سعید وثاقتش گذشت. قاسم بن عروه از مشایخ ابن ابی عمیر است و روایات صحیحهای از او از ابن ابی عمیر نقل شده (خویی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۸۸) و همچنین از بزنی اما ابوالعباس بقباق همان فضل بن عبدالملک است که نجاشی فرموده (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۱۹) ثقة عین. مجلسی هم در وجیزه (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶۱) او را توثیق کرده است.

بررسی دلالی: در این روایت ابی العباس و... از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که حضرت فرمود: اگر مردی زنی را بکشد، اولیاء زن مخیرند بین اینکه اگر می خواهند مرد را به قتل برسانند نصف دیه را غرامت پرداخت کنند به ورثه مرد و یا اینکه اگر می خواهند نصف دیه را اولیاء زن بگیرند. و سند شیخ آن طور که در مشیخه تهذیب (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۶۳، ۶۴ و ۶۵-۶۶) نقل می کند همگی از اجلاء و ثقات هستند.

در این روایت نیز عبارت «یغرموا نصف الدیه» صراحت در مدعی دارد. هشام بن سالم جوالیقی را نجاشی فرموده: ثقة (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۰۵) و

علامه نیز او را توثیق کرده است. (حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹)

۱۰-۲. و عنه (حسین بن سعید که بحث شد) محمد بن خالد، عن أبي عمير، عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله عليه السلام في المرأة تقتل الرجل، ما عليها؟ قال: لا يجني الجاني على أكثر من نفسه. (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۶۱) شیخ در رجال (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۶) و علامه حلی در خلاصه (۱۳۸۱، ص ۱۳۹) محمد بن خالد را توثیق کرده‌اند.

بررسی دلالی: هشام بن سالم از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که از حضرت درباره زنی که مردی را به قتل رسانده سؤال کردم که چه چیزی بر اوست؟ فرمود: جانی بر پیش از خودش جنایت نمی‌کند (یعنی خودش در قبال جنایتش قصاص می‌شود و چیزی باقی نمی‌ماند) از جانی نیست یعنی زن وقتی قاتل مردی شد، و پس از آن زن قصاص شود دیگر چیزی به عهده وی نیست.

این روایت به صورت ضمنی دلالت بر مدعی دارد؛ زیرا بیان کرده است وقتی زن قصاص شود دیگر چیزی نمی‌خواهد بپردازد کنایه از اینکه اگر بالعکس بود یعنی مرد زن را به قتل رسانده بود، مرد قصاص شدنش منوط به شرایطی بود که از ضمن سایر روایات استفاده می‌شود که نصف دپه مرد برای قصاص مرد باید ابتدا از سوی اولیاء زن پرداخت شود.

۱۱-۲. و عنه (حسین بن سعید) عن فضالة، عن أبان، عن زراه، عن احدى ما ظالمين عليه السلام في قول الله عز وجل: «النفس بالنفس و العين بالعين و الأنف بالأنف» الآية قال هي محكمة (مائدة: ۴۵) (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۶۲؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۰۲؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ همو، ۱۳۰۵ق، ج ۴، ص ۲۶۶؛ صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۹۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۶۲)

بررسی سندی: حسین بن سعید بحث شد فضالة ابن ایوب را شیخ در رجال (طوس، ۱۳۸۰، ص ۳۵۷) و علامه حلی (۱۳۸۱، ص ۱۳۳) توثیق کرده‌اند و برخی نیز او را از اصحاب اجماع کشی دانسته‌اند. در جامع الروات (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲) از نجاشی توثیق او را نقل کرده‌اند. بحث از ابان بن عثمان گذشت و زارة بن اعین از اصحاب اجماع و افقه فقهاست. شیخ در رجال (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۳۵۰) و نجاشی در رجال (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۶۲-۵۲) نقل کرده‌اند.

بررسی دلالتی: در این روایت زراره از امام جعفر صادق یا امام باقر علیهما السلام درباره کلام الهی فرمود: النفس بالنفس... الآية فرمود: این آیه محکمه است. اینکه نفس در برابر نفس می تواند قصاص شود درباره زن و مرد هر دو سازگار است و به قرینه سایر روایات ذکر شده، می تواند اصل جواز قصاص مرد در مقابل کشتن زنی را دلالت داشته باشد. این موضوع منافاتی با پرداختن نصف دیه از سوی اولیاء زن ندارد و به صورت ضمنی از سایر روایات این مطلب مستفاد است؛ یعنی این روایات نسبت به اصل جواز قصاص جواز مرد و زن جواز را می رساند اما نسبت به لزوم و عدم لزوم پرداخت نصف دیه لا بشرط است. اسناد شیخ در تهذیب به حسن بن محبوب متعدد است که مجموعاً صحیح است. (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۵۶-۶۲)

۱۲-۲. و باسناده عن الحسن ابن محبوب، عن علی بن رئاب، عن محمد بن قیس، عن ابي جعفر علیه السلام فی الرجل یقتل المرأة، قال: ان شاء اولیاءها قتلوه و غرموا خمسة آلاف درهم لأولیاء المقتول و ان شاءوا أخذوا خمسة آلاف درهم من القاتل.

بررسی سنّدی: حسن بن محبوب بحث از او گذشت، علی بن رئاب را شیخ در فهرست (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳) و علامه حلی در خلاصه (۱۳۸۱، ص ۹۹) ثقه و جلیل القدر معرفی می کنند. محمد بن قیس هم به نقل از *تکلمة الرجال* (خویی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۷۳) از علامه حلی اگر از امام صادق علیه السلام نقل حدیث کند غیر از (دو نفر ثقه) اشتراکی ندارد.

تحلیل روایت: محمد بن قیس از امام صادق علیه السلام درباره مردی که زنی را به قتل رسانده بود نقل می کند: اگر اولیاء زن بخواهند، مرد را به قتل برسانند و باید پنج هزار درهم به اولیاء مقتول (مرد قصاص شده) غرامت پرداخت کنند و اگر هم می خواهند پنج هزار درهم از قاتل (مرد) بگیرند. پس اولیاء زن مخیرند میان دو موضوع یکی اینکه مرد را قصاص کنند منتهی به شرط پرداخت پنج هزار درهم به اولیای مرد و دیگری اینکه از قصاص مرد صرف نظر کنند و پنج هزار درهم بابت قتل زن از مرد قاتل بگیرند که دیه زن است.

نکته قابل توجه این است که پنج هزار درهم نصف دیه مرد کامل است و یک دیه زن که اولیاء زن مخیر شده اند میان دو موضوع ذکر شود پس روایت صراحت در

مدعی دارد.

۱۳-۲. و باسناده عن احمد بن محمد، عن المفضل، عن زيد الشحام، عن ابی عبدالله علیه السلام فی رجل قتل امرأة متعمداً، قال: ان شاء أهلها ان یقتلوه قتلوه و یؤدوا الی اهله نصف الدیة. (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۶۱؛ طوسی ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۲۶۵ و ج ۱۰، ص ۱۸۲)

بررسی سندی: اسناد شیخ طوسی بنا بر مستند تهذیب تا احمد بن خالد برقی صحیح است (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۴۴) و احمد بن محمد بررسی شد و مفضل بن عمر را شیخ مفید در ارشاد (مفید، ۱۳۷۷، ص ۲۷۰) توثیق کرده و کشی (۱۳۴۸، ص ۲۷۳) احادیثی در مدحش آورده است. زید بن یونس الشحام را هم شیخ در فهرست (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۹۷) و ابن شهر آشوب (۱۳۷۴، ص ۴۴) و علامه (حلی، ۱۳۸۱، ص ۷۳) توثیق کرده‌اند.

بررسی دلالی: در این روایت زید شحام از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند درباره مردی که زنی را عمداً کشته است حضرت فرمود: اگر اهل زن (اولیاء زن) بخواهند مرد را به قتل رسانند، او را بکشند و نصف دیه را به اهل مرد (اولیاء مرد) پرداخت کنند. در این روایت نیز حضرت آشکارا فرموده‌اند: «ان شاء أهلها ان یقتلوه قتلوه» و «یؤدوا الی اهله نصف الدیة» پرداخت نصف دیه (الدیه یعنی دیه کامل یک مرد و نصف الدیه، نصف دیه کامل مرد) را باید به خانواده مرد بپردازند. شرط انجام قصاص مرد شده است و دلالت بر مدعی دارد.

۱۴-۲. و باسناده عن محمد بن احمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن محمد ابن عبدالله، عن العلاء، عن محمد بن مسلم قال: سألت ابا جعفر علیه السلام عن امرأتین قتلتا رجلاً عمداً، قال: یقتلان به، ما یختلف فی هذا احد. (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۶۲ و ج ۱، ص ۸۳)

بررسی سندی: روایتی که محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل قول کرده باشد جای هیچ شک و تردیدی را باقی نمی‌گذارد.

بررسی دلالی: در این روایت محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره دو زنی سؤال کردم که عمداً مردی را به قتل رسانده بودند حضرت فرمود: به خاطر قتل

مرد، هر دو زن کشته می‌شوند. هیچ کسی در این مورد اختلافی ندارد. روشن است که در این روایت حضرت قصاص دو زن را به‌خاطر کشتن یک مرد اجازه می‌دهند، پس هر زن به اندازه نصف مرد قرار می‌گیرد و لازم نیست اولیاء مرد دیه و تفاضل دیه‌ای را به اولیاء دو زن پرداخت کنند. لازمه این موضوع آن است که مدعای این مقاله به اثبات می‌رسد که زن و مرد در قصاص با هم برابر نیستند. و قول مشهور فقها در این زمینه به استناد این روایت هم ثابت می‌شود. روایت مذکور به دلالت ضمنی یا التزامی دلالت به موضوع می‌کند.

۱۵-۲. و با سنده عن محمد بن علی بن محبوب، عن معاوية بن حکیم، عن موسی بن بکر، عن ابي مریم. و عن محمد بن احمد بن یحیی و معاوية عن علی بن الحسن بن رباط، عن ابي مریم الانصاری، عن ابي جعفر علیه السلام قال: فی امرأة قتلت رجلا، قال: تقتل و یؤدی ولیها بقیة المال. و فی روایة محمد بن علی بن محبوب: بقیة الدیة. قال الشیخ هذه روایة شاذة ما رواها غیر ابي مریم و هی مخالفة للاخبار و لظاهر القرآن فی قوله به «النفس بالنفس» أقول یحتمل الحمل علی الانکار دون الاخبار ای لا یؤدی ولیها شیئا، و یحتمل الحمل علی الاستحباب و علی التقیة و یحتمل أن یكون اصله فی امرأة قتلها رجل قال یقتل الخ، و یكون غلطا من الراوی او الناسخ.

ترجمه و تحلیل روایت: ابن مریم انصاری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت درباره زنی که مردی را کشته بود فرمودند: زن کشته می‌شود ولی زن باید بقیة مال را [و در روایت محمد بن علی بن محبوب، بقیه دیه را] به اولیاء مرد بپردازند.

شیخ طوسی ذیل این روایت می‌فرماید: این روایت، روایت شاذ و نادری است که غیر از ابي مریم آن را نقل نکرده و این روایت مخالف اخبار و ظاهر قرآن در جمله «النفس بالنفس» است: شیرازی در *وسائل الشیعه* (حرر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۳۶۲) ذیل روایت می‌گوید: ممکن است روایت را حمل بر استفهام انکاری کنیم نه اخبار یعنی ولی آن (زن) چیزی را لازم نیست ادا کند و بپردازد. همچنین ممکن است که حمل بر استحباب و تقیه شود و نیز ممکن است اصل روایت در مورد زنی باشد که توسط مردی به قتل رسیده است که حضرت فرمود یقتل الخ و در این صورت ممکن است غلط از راوی یا ناسخ روایت باشد.

بررسی: به هر حال صراحت «النفس بالنفس» در مائده (۴۵) شامل این روایت هم می‌شود، برخی از روایات قبلاً نیز ذکر شد که تعبیر «و لیس یجنی أحد أكثر من جنايته علی نفسه» داشت و دلالت بر ما نحن فیه می‌کرد. پس حاصل کلام اینکه اگر مردی زنی را به قتل برساند، اولیاء زن می‌توانند مرد را قصاص کنند و باید نصف دیه را پرداخت کنند و اگر زنی مردی را به قتل رساند، اولیاء مرد می‌توانند زن را به قتل برسانند و لازم نیست دیه‌ای پرداخت کنند و این روایت روایت شاذی است که نمی‌توان به ظاهرش اعتنا کرد و باید حمل بر جهات احتمال داده‌شده نمود.

۳. روایت مورد استنادی قول غیر مشهور

و باسناده عن النوفلی عن السکونی، عن ابی عبدالله علیه السلام أن امیر المؤمنین علیه السلام قتل رجلاً بامرأة قتلها عمداً، و قتل امرأة قتلت رجلاً عمداً. أقول: هذا محمول علی ردّ بقية الدية لمّا. (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۶۲؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۸۳)

بررسی سندی: نوفلی از مشایخ صفوان بن یحیی بیاع السابری است که توسط شیخ در العدة فی اصول الفقه حکم به صحت و وثاقت مشایخ ایشان شده است. و نیز فیض کاشانی در کتاب وافی با سند صحیح از صفوان از نوفلی (فیض کاشانی، ۱۰۶۸ق، ج ۵، ص ۲۱۶) روایت را نقل کرده است، سکونی هم همان اسماعیل بن ابی زیاد می‌باشد. شیخ در العدة فی اصول الفقه (طوسی، ۱۳۸۹، ص ۵۶) می‌فرماید عملت الطائفة بما رواه فیما لم یکن عندهم خلافة.

بررسی دلالی: در این روایت، سکونی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که امیر المؤمنین علی علیه السلام مردی را حکم قصاص داد به خاطر آنکه آن مرد زنی را عمداً به قتل رسانده بود و نیز حکم قصاص داد زنی را که مردی را عمداً کشته بود. این روایت که به نحو مطلق بیان شده است حمل می‌شود بر ردّ بقیه دیه که چون روایات لزوم پرداخت نصف دیه از سوی اولیاء زن به خانوادهٔ مرد در صورت انتخاب قصاص مرد، صراحت دارند، اطلاق این روایت را حمل می‌کنیم منوط به پرداخت نصف دیه، قصاص تجویز شده است.

۴. نتیجه‌گیری

با بررسی به عمل آمده در روایات متعدد از نظر سندی و دلالی، قول مشهور مبنی بر

عدم تساوی زن و مرد در قصاص و دیات ثابت است و قول غیرمشهور نمی تواند قول مشهور را از حجیت بیندازد؛ از این رو بر قانونگذار است که با تبعیت از قول مشهور که مطابق کتاب و سنت است، در قرون و اعصار گوناگون دفاع کند تا منصوص اصل چهارم قانون اساسی یعنی لزوم انطباق کلیه قوانین و مقررات با مبانی شرعی و اسلامی کماکان پابرجا بماند.

منابع

۱. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، قم: مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، تهران: حیدریه، ۱۳۷۶ش.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۵. تحلیل تبریزی، ابوطالب، معجم الثقات، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۶. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصة الاقوال فی معرفة احوال الرجال، تهران: حیدریه، ۱۳۸۱ش.
۷. —، مختلف الشیعه، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۸. حرّ عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۴ق.
۹. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، لبنان: چاپ بیروت، ۱۴۰۹ق.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۶ق.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، نجف اشرف: بی نا، ۱۳۸۰ق.
۱۲. —، تهذیب الاحکام، ج ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۱۳. —، رجال الطوسی، نجف اشرف: مطبعة حیدریه، ۱۳۸۰ق.
۱۴. —، العدة فی اصول الفقه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
۱۵. —، الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار، هند: طبعه لکهنو، ۱۳۰۵ق.
۱۶. عبدالنبی، کاظمی، تکملة الرجال، تهران: انوار الهدی، ۱۳۸۳ش.
۱۷. فیض کاشانی، ملامحسن، کتاب الوافی، اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۰۶۸ق.
۱۸. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۴، تهران: حیدریه، ۱۳۶۷ش.

۶۸ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال یازدهم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

۱۹. کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، معرفة الناقلین عن الائمة الصادقین [اختیار معرفة الرجال]، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.

۲۰. مفید، محمد بن محمد، نعمان حارثی بغدادی، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تهران: کتابخانه اسلامی، ۱۳۷۷ ق.

۲۱. مجلسی، محمدباقر، الوجیزة فی الرجال، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۰ ق.

۲۲. نجاشی، احمد بن علی بن احمد، فهرست اسماء مصنفی الشیعة، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵ ش.